هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ چهل و چهارم ۳ حوت ۱۳۹۲ ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۳۵– 22 February 2014



در راه دفاع از آزادی، استقلال، ارزش های دینی و ملی، قیام های فراموش ناشدنی مانند قیام ۳ و ۲۴ حوت صورت گرفته است که ما باید آن را همیشه گرامی بداریم و فراموش نکنیم.

از سخنان رهبر شهید

سوم حوت از حماسه های تاریخی کشور ماست

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

سوم حوت سال ۱۳۵۸ از روز های تاریخی و به یاد ماندنی کشور ما می باشد، طنینی الله اکبر، مرگ به وطن فروشان و زنده باد آزادی از شعار های است که در روز سوم حوت شهر کابل را به لرزه در آورده بود.

در این روز لایه های مختلف مردم در این شهر صدای اعتراض خود را بلند نمودند و با خون خویش بر دیوار های این شهر مرگ بر شوروی را نوشتند و رهبران خلق و پرچم را محکوم نمودند؛ زیرا مردم به وضوح دریافتند که دیگر افغانستان در چنگال یک ابر قدرت خونخوار سقوط نموده، آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان از واژه های کمیاب و فراموش شدهٔ این کشور گردیده بود.

افغانستان در نمیهٔ قرن بیستم برای نخستین بار طعم اشغال را چشیدند و ارتش سرخ از زمین و هوا کشور را در اشغال خود قرار داده بود و این مردم ما بود که رستمانه به نبرد افراسیاب شتافتند و مردم برای یک قیام سراسری در برابر این اشغال عریان بسیج گردیدند.

گفته می شود که این قیام بعد از قیام ۲۳ حوت ۱۳۵۷ هرات، خونین ترین قیام در تاریخ کشور محسوب می شود. هیچگاه مردم کابل سرکوب کننده گان این قیام را نه خواهند بخشید. فراموش نه خواهیم کرد که در دانشگاه کابل گروه های چماق به دست بالای پسران و دختران شیلک می نمودند که نمونهٔ بارز آن ناهید شهید است که طرفداران این دژ خیمان چماق به دست و در هوای پیروزی حزب لینن، مردم را با انواع گوناگون تعذیب می نمودند.

جای دارد که نسل جوان ما از مبارزات بر حق مردم کابل آگاه گردند و کریهه ترین چهره های اشغال را در افغانستان بشناسند، ما نیاز داریم تا روز های تاریخی را در حافظه داشته باشیم، فراموشی حماسه های تاریخی از ذهن هموطنان ما جرم پنداشته می شود.

امروز هستند کسانی که این دهه های نبرد و مقاومت در برابر اشغالگران را می خواهند از افکار جوانان ما نابود سازند، و این گونه جرایم را پایان یافته انگارند. امروز هر چه در افغانستان اتفاق افتاده و می افتد، نتیجهٔ همان اشغال، سرکوب و تجاوز به حقوق شهروندان کشور است.

در شرایطی که کشور های دور و نزدیک در آزادی و ص۳



حوت، ماه قیام و شهادت

۳ حوت ۱۳۵۸ ص۲

از حماسه های تاریخی و دیر پای جهاد

د کب دریمه د ښکیلاکگرو په وړاندې د مقاومت یوه بېلګه

۳مخ

استقبال گرم مردم ننگرهار، از تیم اصلاحات و همگرایی



نذرالله عنایت

داکتر عبدالله عبدالله نامزد ریاست جمهوری نخستین سفر ولایتی خود را از شهر جلال آباد آغاز نمود. او به روز شنبه تاریخ ۲۹ دلو همراه با جمع کثیری از تیم اصلاحات و همگرایی به ولایت ننگرهار سفر کرد. آقای عبدالله را معاونانش آقایان انجینر محمد خان و استاد محمد محقق نیز همرایی می کردند.کاروان تیم اصلاحات و همگرایی به شهر جلال آباد مورد استقبال گرم مردم شریف شهر جلال آباد قرار گرفت و با صدای لبیک مردم بدرقه شدند.

آقای عبدالله در اجتماع میلیونی مردم شهریان جلال آباد در شرق کشور، به تشریح برنامه هایی خود پرداخت و از مردم خواست برای تغییر و اصلاحات با رفتن به پای صندوق های رأی به برنامه های او آری بگویند. در اجتماع میلیونی جلال آباد شور و هیجان مردم چنان به اوج رسیده بود که امیدهای خفه شده را در قلب توده ها یک بار دیگر زنده ساخت. آقای عبدالله در حالی سفرهای ولایتی خود را شروع کرده است که تهدیدات امنیتی و سردی هوا کماکان برسر راه قرار دارد.

قافله سالار تیم اصلاحات و همگرایی با عزم راسخ تصمیم دارد، رغم تمام چالش ها با تمام ولایت های کشور سفر نماید. او گفته است تهدیدات امنیتی مانعی بر سر راه ما شده نمی تواند و باید خود را به مردم برسانیم و از مردم بشنویم که چه خواست و تقاضا دارند. کاروان تیم اصلاحات و همگرایی در بازگشت از جلال آباد در تنگی ابریشم مورد حملات مخالفان مسلح قرار گرفت، اما به فضل خداوند به کسی آسیب نرسید.

سید فاضل سنچارکی در پیوند به این حمله گفت: کسانی از راه دور می خواستند آشوب ایجاد کنند، اما در تقابل فیرهای نیروهای امنیتی، دشمن نتوانست به تحریکات بیشتر دست بزند.

نمایندهٔ خاص سرمنشی ملل متحد در تماس تلفنی با داکتر عبدالله، از سلامتی او ابراز خوشی کرد. آقای یان کوبیش نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد در افغانستان شامگاه آن روز در تماس تلفنی با داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیشتاز ریاست جمهوری، هرنوع سوء قصد و تحرک مشکوک تروریستی علیه وی را به شدت محکوم کرد و از بابت سلامتی و بازگشت سالم وی از سفر ولایتی ننگرهار ابراز خُرسندی نمود. ص۶

«مجاهد» خاطرهٔ قیام و جانبازی های ۳ حوت ۱۳۵۸ شهروندان کابل را گرامی می دارد

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

حوت، ماه قیام و شهادت

در سالروز ۳ حوت، روز حماسه و شهادت قرار داریم. شب هنگام سوم حوت ۱۳۵۸ شهروندان کابل در واکنش به تجاوز اتحاد جماهیر شوروی سابق، - که دو ماه از این تجاوز آشکار سپری می شد - پشت بام خانه ها و کوچه های شان برآمدند و همه یک صدا برضد متجاوزین و نوکران شان، ندای ملکوتی و کفر بر انداز (الله اکبر) را سر دادند. فردای آن به جاده های شهر بر آمدند و نفرت و انزجار شان را در برابر تجاوز و ظلم و دین ستیزی حکومت مزدور وقت، تبارز دادند. این قیام پنج هزار و قیام بزرگ شهریان هرات باستان در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ حدود بیست و چهار هزار شهید داشت، این قیام ها سرآغاز رستاخیز مردمی بود، که سبب هراس رژیم گردید و مردم بی دفاع را هدف سلاح ثقیل و خفیف قرار داد. در این رویدادهای تاریخی و ماندگار، جمعی از هموطنان ما به شهادت رسیدند، برخی جراحت برداشتند و تعدادی راهی سلول های مخوف زندان ها شدند.

این قیام های هدفمند و رهبری شده از سوی سران مجاهدان و کشتار بی رحمانه قیام کننده گان توسط رژیم، سبب تقویت سنگرهای جهاد و تضعیف ارتش سرخ و حکومت وقت گردید.

روح رهبر جهاد و مقاومت استاد برهان الدین ربانی و فرماندهٔ نستوه این دو دوره، انجنیر احمد شاه مسعود و همه آنانی که در قیام های ۳ و ۲۴ حوت و دوره های پرافتخار جهاد، مقاومت و مبارزه علیه تروریزم، جان های شیرین شان را از دست داده اند، و آنعده شهدای گمنامی که خانواده ها و بستگان شان به امید دیدار آنها، تا هنوز لحظه شماری می نمایند، شاد می خواهیم.

دست های قدرت طلب و آنهایی که به کمک بیگانه ها و با کشتار، شکنجه و آزار می خواستند در کشوری به نام افغانستان به حاکمیت برسند، از مردم قربانی گرفتند، میلیون ها تن را به شهادت رسانیدند، بصورت جمعی شب هنگام با چشم ها و پای ها و دست های بسته زیر خاک کردند. کشف گورهای دسته جمعی در مقاطع و در مناطق مختلف، اعلام لست دوازده هزار نفری توسط امین و لست پنج هزار نفری کشته شده گان توسط رژیم مزدور، که رئیس تحقیق اگسا به حکومت هالند ارائه کرده، نمونهٔ از جنایات کمونیزم در افغانستان بوده است.

گرامی داشت از روزهای تاریخی و ارج گذاری به قهرمانان و یادبود از شهداء و جانبازان قیام های ملی و مردمی که به خاطر آزادی کشور و دفاع از تمامیت ارضی، دین، نوامیس ملی و حفظ ارزش ها، جانبازانه در برابر اشغالگران و متجاوزین ایستادند و روزهایی را به نام ۸ ثور پیروزی مردم مسلمان افغانستان، اول جدی سالروز انتقال متمدنانهٔ قدرت سیاسی کشور، ۲۶ دلو خروج اتحاد جماهیر شوروی سابق از افغانستان، ۳ و ۲۴ حوت قیام های جمعی شهریان کابل و هرات باستان، ثبت تاریخ نموده اند، را نباید از یاد برد. و این روزهای تاریخی و افتخار آفرین را باید پاس داشت.

یکی از روزهای تاریخی و قابل افتخار مردم افغانستان، ۲۶ دلو بود که هفتهٔ پیش پشت سر گذشتاندیم. ملت ایثارگر ما در این روز طلسم بزرگترین استعمارگر جهان (اتحاد جماهیر شوروی سابق) را شکست. اما متأسفیم که در سالگرد این روز تاریخی، که در تاریخ و جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سابق و برخی نقاط جهان تغییر وارد کرد، بجز رخصتی در تقویم، یادی این روز، از سوی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به عمل نیامد!

جاویدان باد یاد و خاطرهٔ شهدای سوم حوت ۱۳۵۸ شهروندان شجاع کابل

۳ حوت ۱۳۵۸
از حماسه های تاریخی و دیر پای جهاد



◇ **پوهنمل محمد نسیم فقیری**

نعره های پر صلابت و کفر شکن تکبیر شهریان کابل، دل های متجاوزین روسی و چاکران داخلی شان را به لرزه در آورده و خواب را از چشمان شان ربوده است ....

این نعره های توحید و نفی هر گونه کفر، الحاد، ستم و تجاوز از شبانگاهان آغاز و تا بامدادان ادامه می یابد.

کابل شهر باستانی و قلب کشور مرد خیز و سلحشور افغان یکپارچه خشم و طغیان شده است.

هنوز دو ماه از یورش وحشیانهٔ لشکریان سفاک و ویرانگر شوروی نگذشته است و ابر قدرت جهانخوار سرخ به دنیا چنگ و دندان نشان داده و با عزم قوی در پی سرکوب جهاد و مجاهدان است ....

هنوز غرب و پکت وارسا در ادامهٔ عقب نشینی های پی در پی و شکست های روز افزون از جهانگیری و توسعه طلبی شوروی، سخت پریشان و هراسان است و هنوز ایمان و ارادهٔ و زور بازوی ملت مجاهد و قهرمان و مجاهد مردان دلیر و فخر آفرین افغان را باور نکرده است .

اردوی متجاوز شوروی آمده است تا جهاد را سرکوب و مجاهدین را نابود سازد تا دیگر کسی در هیچ نقطهٔ از دنیا به قیام علیه رژیم های دست نشاندهٔ مسکو جرئت نکنند و قیام علیه این رژیم ها و سرنگونی آنرا ممکن تصور ننماین !!

اردوی غارتگر با سلاح پیشرفته و تباهکن آمده است تا یک کشور کوچک و فقیر ولی مومن، آزادی خواه و سر افراز را با زنجیر های الحاد و ستم در بند کشیده و در دراز مدت ضمیمهٔ قلمرو استعماری خویش سازد و سلاح های جدید را بر مردمان مجاهد و بپا خواسته آن به آزمایش بگیرد.

اردوی یکصد هزار نفری شوروی آمده است تا قدرت نظامی و برتری تسلیحاتی خویش را در سرکوب مجاهدین افغانستان به نمایش بگذارد و به هراس و وحشت و دهشت رقبای استعماری خود بیافزاید. اردوی مجهز شوروی با قوت و شدت هر چه تمامتر می خواهد که جهان را بترساند و طلسم شکست ناپذیری خویش را یکبار دیگر ثابت سازد !!

بلی! اردوی متجاوز شوروی آمد و دنیا را ترساند .

مجله امت شماره دهم – حوت ۱۳۷۹

از هجوم لشکریان تجاوز گر و انتقالات نیروهای هوائی و زمینی، همه رسانه ها گزارش ها دادند و جهانیان آنرا خواندند و شنیدند. ولی مردم کابل آنرا از نزدیک دیدند و لمس کردند. عجبا! جهان لرزید و جهانیان ترسیدند ولی شهر کابل و مردم مجاهد پرور و سلحشور آن نه تنها ترس و هراسی را بخود راه نداند که بیشتر از پیش در برابر متجاوزین و چاکران داخلی شان ایستادگی کرده و اقدام به قیام مسلحانه نمودند. شهریان کابل اعم از زن و مرد، پیر و جوان در یک صف و با یک شعار در جاده ها و سرک های کابل براه افتادند و با سردادن نعره های تکبیر و مرگ بر شوروی، مرگ بر کمونست ها، مرگ بر خلق و پرچم و مرگ بر ببرک، خشم و نفرت عمیق خویش را از متجاوزین شوروی و نوکران حقیر و فرومایهٔ شان ابراز داشتند.

مردم کابل با دست های خالی بپا خاسته و بعد از حمله بر ماموریت ها ی پولیس با سلاح علیه سربازان شوروی و چاکران داخلی شان یورش برده و پایگاه های آنان را به آتش کشیدند. دختران و پسران کابل با خون های مقدس خویش به آن قیام عظمت و بزرگی بی نظیری بخشیدند ... طیارات و هلیکوپتر ها پرواز کردند اما تظاهر کننده گان در سرک ها و کوچه ها برای خود سنگر های با سنگ و چوب ساختند ... تانک ها یورش بردند ... اما نعره های تکبیر گفتن از پشت بام ها، بستن دکان ها و بی رونق ساختن بازار ها و فلج نمودن ادارات و وزارت خانه ها روز های پیهم همچنان ادامه داشت.

این امر در کندهار و بعضی از شهر های بزرگ دیگر نیز آغاز گردید. مردم می گفتند: (بچه های لینین چرا به کشور ما آمده اید، وطن ما را ترک گوئید . در این روز تاریخی و در جریان قیام سه حوت بیش از پنج هزار تن از شهریان کابل شهید و مجروح گردیدند.

این قیام پرشکوه و افتخار آفرین بیانگر همبستگی عمیق شهریان کابل با سنگر های جهادی و نشان دهندهٔ عظمت و حقانیت جهاد مقدس ما بود.

برین مناسبت بود که افسران شوروی و رژیم دست نشانده هرگز به شهر کابل و شهریان آن رحم نکردند و بگونه ها و بهانه های مختلف و حتی پس از خروج اردوی شوروی و سقوط رژیم دست نشانده - با نفوذ در گروه های قدرت طلب از شهر کابل و مردم آن انتقام گرفتند ...

به همه حال قیام دلیرانهٔ شهریان کابل در سوم حوت ۱۳۵۸ از حماسه های جاویدان و بیاد ماندنی تاریخ جهاد و افغانستان است که نسل های امروز و فردا به عظمت آن می بالند و یاد و خاطرهٔ قهرمانان این حماسهٔ پرشکوه را گرامی می دارند.

سلام بر روان پاک شهدای سوم حوت و سایر شهدای جهاد ...

طالبان؛ تلاش های صلح و ترورهای مرموز

■ **راوی**

در طول چند ماه گذشته چند تن از شخصیت هائی که بعضی از آنان به نحوی با طالبان در رابطه بودند، در پاکستان ترور شدند و طبق معمول که عاملان قتل های مرموز سیاسی در پاکستان همیشه پنهان باقی می ماندند، عاملان این قتل ها نیز مشخص نشده اند.

دلایل این ترور ها یکسان نیست مثلاً در مورد کشته شدن علمای دین که حتی عضو تحریک طالبان هم نبودند، دلایل اینگونه قتل ها بیشتر مبهم و اسرار آمیز است. از جملهٔ اینگونه علمای دین، شیخ الحدیث مولوی محمد ادریس، شیخ الحدیث مولوی رحمت الله، شیخ الحدیث مولوی عبدالسلام و در این اواخر شیخ الحدیث مولوی عبدالله ذاکری قابل ذکر اند. در میان این افراد، مولوی عبدالله ذاکری بیشتر دست اندرکار سیاست بود و رهبری یک گروه از علما را به نام اتحاد علمای افغانستان بدوش داشت. این افراد که بیشتر شان در کویته کشته شدند، عضویت شورای طالبان را نداشتند.

آیا می توان گفت که این افراد بخاطر تبلیغ علیه امریکا کشته شدند؟ طالبان این قتل ها را بدوش امریکا می اندازند اما با توجه به شرایط خاص پاکستان، دلایل این قتل ها می توانند بسیار پیچیده تر باشد و گاهی این گونه قتل ها می توانند به اختلافات فرقه ای هم پیوند داشته باشد.

تنها این علمای دین نیستند که در پاکستان هدف ترور قرار دارند بلکه، تعدادی از سران اقوام نیز هم در داخل و هم در خارج از افغانستان آماج این گونه ترور ها بوده اند. معمولاً حکومت افغانستان طالبان را مسوول این قتل ها می خواند اما از آنجائی که بعضی از این سران قوم نه با طالبان رابطه داشتند و نه با دولت، این ترور ها بیشتر ناشی از دشمنی های شخصی بشمار آمده و دوسیه های ترور شان با بخاک سپاری آنان بسته می شود.

مدتی قبل مقامات امنیتی کشور از کشته شدن چند تن از قوماندان طالبان در کویته خبر دادند. گفته شد که قوماندان نورالله، ص۶



شهید استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت همراه با داکتر عبدالله اعزام شهید

سوم حوت از حماسه های...

استقلال سیاسی زنده گی می نمودند، افغانستان در اشغال فرو رفت و به شعار های پوچ و میان تهی افکار نسل جوان تخدیر می گردید. باید به قضاوت درست تاریخ گوش داد و نقش مجاهدان، مقاومت گران و عاملان اشغال را از دیگران تمیز داد.

اشغال اتحاد شوروی بر سرزمین ما هیچگاه پایان ماجرا نمی باشد و این اشغال به دنبال خود، اشغال های دیگر را به وجود آورده است که تبعات منفی آن، هم اکنون در کشور وجود دارد. افغانستان نظر به موقعیت استراتیژیک و جیو پولیتیک خویش همواره دستخوش اشغال ابر قدرت های بزرگ قرار گرفته است. امید مردم ما آن است که دغدغه های سیاسی ما به پایان برسد و دیگر هیچ کشوری چشم طمع به سوی این سرزمین نداشته باشد. نسل جوان کشور ما نیاز به آرامش و بهروزی دارند، دیگر دوران خشونت، ماجرا جویی و برتری طلبی در جهان به پایان رسیده است.

مردم ما افتخارات مشترک دارند. در مبارزه با اتحاد شوروی، انگلیس و سایر قوت های که افکار تب آلود داشته اند، محور های مشترک به وجود آورده اند، این محور های مشترک نشان بزرگواری مردم ما است. ما نیاز داریم تا این محور های مشترک در سرزمین ما حفظ گردد. ما به گذشته های خود افتخار می کنیم و علاقه مندیم تا این محور های افتخار آمیز در اذهان نسل جوان زنده نگه داشته شود. مبارزه در برابر اتحاد شوروی از سوی شهروندان کابل، یکی از چنین افتخارات گذشته و محور های مشترک مردم ما است و این محور ها باید حفظ گردد، تا نسل جوان ما در برابر هر نوع نا ملایمات صدای واحد داشته باشند.

د کب دریمه د ښکیلاکګرو په وړاندې د مقاومت یوه بیلګه

☐ زهیر

لـه نـن څخـه دري دېـرش کلونـه وړانـدې چـې کلـه د افغانسـتان قطبـي دوسـت (!) ګاونـډي (پخـواني شـوروي اتحـاد) د جنوب ګرمو اوبو تـه د رسیدلو پـه ارمـان پـه هیـواد کـې د افغـاني لاسـپوڅو پـه واسطه د سـردار محمـد داوود خـان جمهـوري رژیـم د یـوې خونړۍ کودتـاه پـه واسطه رنـګ کـړ او د افغانسـتان د دموکراتیـک جمهوریـت پـه نـوم بانـدې د پخـواني شـوروي اتحـاد لاسـپوڅو (خلقیـانو او پرچمیـانو) واکمنـي مینځتـه راغلـه. او د افغـان ولـس د دینـي او ملـي ارزښـتونو د لـه مینځـه وړلـو او معتقـداتو او احکـامو پـورې د ملنډو وهلـو هغـه پروګرامونـه د وخـت د دموکراتیـک جمهوریـت لخـوا پیـل شـو او هغـه کارونـه یـې ترسـره کـړل چـې پـه نتیجـه کـې یـې د افغـان ولـس پراخـې پرګنـې د خپـل کرغیـړن او مسـتبد رژیـم پـر خـلاف راوپـارول؛ د ورځـې او د شـپې لخـوا بـه یـې د هیـواد پـه ګـوټ ګـوټ کـې او پـه ځـانګړې توګـه د پوهنتونـو، مدرسـو او تعلیمـي ادارو او د هغـو لـه لیلیـو څخـه بـه یـې بـې ګنـاه افغانـان یـوازې پـدې ګنـاه چـې پـلار یـې مـلا، خـان او یا اخواني دی ونیول

او هـم یـې د ښـارونو پـه ګـډون پـه ولسـوالیو او کلیـو کـې د افغـان ولـس د مختلفـو پرګنـو لخـوا راتوکېـدونکي مقاومـت او پـاڅون د ځپلـو پـه منظـور ړنـدې بمبـارۍ او توپونـه ورول پیـل کـړل چـې پـه هـر کلـي او ولسـوالۍ کـې بـه یـې هـره ورځ متـدین او مسـلمان افغانـان شـهیدانول؛ د څوارلسـو کلونـو پـه دوران کـې یـې هغـه نـږدې دوه ملیونـه بـې ګنـاه افغانـان د مـرګ کـومې تـه ولیـږل چـې د دوې د کمونسـتي رژیـم څخـه یـې کرکـه لرلـه او نـه یـې غوښـتل چـې د دوې د پـوچې او بـاطلې فلسـفې (کمونیزم) لارویان شي

نـو د افغـان وژنـې پراخـه سـیلاب او طوفـان لـه افغانـانو څخـه نـور ډاډمـن ژونـد وتـروړه او هـر چـا بـه ددې انتظـار کـاوه چـې د بشـریت دغـه دښـمنان بـه کلـه د مرتجـع، اخـواني او اشـراف زاده د تـاپې پـه کـارولو سـره ورڅخـه د ژونـد الهـي نعمـت اخلـي؟ او د مـرګ دکنـدې یـا دځرخـې پلـه میلمـه بـه یـې ګرځـوي؟ نـو ځکـه د خلـق او پـرچم د لاسـپوڅي رژیـم د نسـکوریدو لپـاره یـې پـاینځې راپورتـه کـړې چـې د هیـواد د هغـه مهـال د نفـوس دریمـه برخـه افغانـانو د کمونسـتي رژیـم د ظلمونـو او شـکنجو څخـه پـه تنـګ راتلـو سـره خپـل تـاتوبي پریښـود او ایـران او پاکسـتان تـه مهـاجر شـول او لـه هغـو ځـایونو څخـه یـې د لاسـپوڅي رژیـم نسـکورولو او د سـره ښـکیلاک څخـه د آزادۍ لپاره وسله وال جهاد پیل کړ

او پـه هیـواد کـې دننـه هـم میړنیـو افغانـانو ددغـه رژیـم پـر خـلاف خپلـه کرکـه او نفـرت څرګنـد کـړ چـې د هیـواد پـه ګـوټ ګـوټ کـې د ننګینـې کودتـا پـه نتیجـه کـې مینځتـه راغلـي کمونسـتي رژیـم پـر خـلاف بـه کلـه ولسـي پـاڅون کېـده. کلـه بـه محصـلینو او متعلمینـو مظـاهرې کـولې او کلـه بـه هـم پـه عسـکري فرقـواو او غونډو کـې د ملـي اردو د بـا ایمانـه عسـکرو قیامونـه کـول. چـې پـدې لړکـې یـو هـم د کابـل د ښـاریانو هغـه ملـي قیـام دی چـې د ۱۳۵۸ لمریـز کـال د کـب د دریمـې نیټـې پـه شـپه د مسـلمانو معتهـدو ځوانـانو لخـوا یـې تابیـا ونیـولی شـوه او چـې سـهار راختلـو نـو د کابـل ښـاریانو د کمونسـتي رژیـم پـرخلاف د خپلـې کرکـې او انزجـار څرګندونـه خپلـو بامونـه تـه پـه ختلـو سـره او د الله اکبـر پـه ملکـوتي نعـرو اوچتولوسـره پیـل کـړه او د کابـل ښـار د چنـداول لـه سـیمې څخـه پیـل شـوي دغـه ولسـي پاڅونونـه او مظـاهرې ټـول کابـل تـه ورسـیدی او د کابـل ښـارله ګـوټ ګـوټ څخـه د الله اکبـر ملکـوتي نعـرو لـه کمونسـتي واکمنـانو څخـه وارپـار خطـاء کـړ چـې پـه نتیجـه کـې یـې بـې رحمـه کمونسـتانو د کابـل پـه ښـاریانو هـوایي او ځمکنـي بریدونـه پیـل کـړل او ځـونډ ډېرمتـدین او اسـلام تـه متعهـد هیـوادوال یـې شـهیدان کـړل او ډېـر نـور یـې د ځرخـې پلـه د زنـدان د تـورو تمبـو ترشـاوغورځول او د کابـل ښـاریانو د سرتاسـري پرامنـه پـاڅون او مظـاهرې ځـواب یـې د هـر ډول مرمـیو پـه شـلیک کولـو سـره ورکـړ چـې د کمونسـتي واکمنـانو دغـه بېرحمانـه ځـواب بیـا هـم د افغانـانو پـه زړونـو کـې د کمونسـتي رژیـم سـره راتوکېدلې کرکـه او انزجـارختم نکـړای شـو او ترمـازدیګره پـورې د کابـل ښـار پـه ګنـو سـرکونو او د بـامونو پـه سـرونو کابـل ښـاریانو خپلـو مظـاهرو او د الله اکبـر ویلـو ملکـوتي نعـرو تـه دوام ورکـړچـې دا پـه پایتخـت کـې دننـه د لـومړي ځـل لپـاره دا ډول ولسـي قیـام او سرتاسـري پـاڅون ووااو پـه ولایتونـو او لېـرې پرتـو سـیموکې خـو لا دمخـه دکمونسـتي رژیـم پـر خـلاف دخلکـو کرکـه او نفـرت خپـل اوج تـه رسـیدلی وو. لکـه چـې یـو کـال دمخـه د هـرات پـه ښـار کـې د کـب پـه څلېرویشـتمه نیټـه د زرګونـو پـه شـمېر ځمـونږ د هیـوادوالـو پـه شـهادت رسـول او د ټـول ښـار لخـوا دا ډول ملـي قیـام د افغـان مسـلمان ولـس د کارنـامو بلـه زرینـه پاڼه ده چې افغـان ولـس بـه یـې کلـه هم لـه یـاده و نه باسي

او همدارنګـه د ملـي اردو پـه ګنـو سـنګرونو کـې د مسـلمانو عسـکرو ملـي پاڅونونـه او د رژیـم پـر خـلاف قیامونـه کـول. لکـه چـې د کنـړ پـه اسـمار، د جـلال آبـاد پـه یوولسـمه فرقـه او هیـواد پـه نـورو ګنـو ښـارونو او ولسـوالیو کـې وخـت پـر وخـت رامینځتـه کېـدل. هغـه څـه دي چـې دکمونسـتي رژیـم څخـه د ولـس دکرکـې او انزجارڅرګنـدونکي دي او همـدا د ولسـونو کرکـه او انزجـار وو چـې د افغانسـتان د اسـلامي نهضـت برحقـه جهـاد تـه یـې پراخـه ولسـي ملاتـړ ور وبخښـلو او د خپـل سـپیڅلي جهـاد پـه نتیجـه کـې یـې هغـه رژیـم نسـکور کـړ چـې د شـوروي ښـکیلاک پـر مټ یـې پلویـانو د نـه پـر شـا کیـدونکي انقـلاب نعـرې وهلـې او دا یـې تصـور هـم نـه کولـو چـې افغـان میړنـي مجاهـد ولـس بـه دوی د الله جـل جلا لـه پـه مرسـته. د خپـل حق جهـاد پـه برکـت سره مات کړي.

حقیقـت دادی هـر هغـه څـوک چـې د خپـل ولـس سـره ډغـرې وهـي کـه یـې هـر څومره ترشـا پیـاوړې ځـواک موجـود اوسـي. خامخـا بـه مـاتې خـوري لکـه د پخـواني شـوروي اتحـاد د سـل سـریزه پـوځ ملاتـړ چـې د ولـس د ارادې پـر خـلاف رامینځتـه شـوی کمونسـتي رژیـم پـه ګونـډو کـړ او افغـان جهـاد خپـل بریالیتوب ته ورسیده.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سيرت ونډه

شپږمه برخه

لیکوال: شیخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدین اقبال

د سرتېرو درناوی

پیغمبر اکرم ته د انسانانو د شخصیت د درناوي کچه تقوا وه،چې دې کار به کله کله د هغوی غوسه هم را پاراوله،چې د شخصیت سنجونې کچه یې شتمني، اصل او یا نسب و. له"حبشي"((بلال))،"رومي"((صهیب))او"فارسي"((سلمان)) (رضی الله عنهم) سره د پیغمبر اکرم دروند چلن،د پیغمبر اکرم د قرآني کرنلارې عملي بېلګه ده . د مکې د فتح پر مهال،د پیغمبر اکرم دې چلن "ابوسفیان" په غوسه کړ او و یې ویل: ((محمده إله خان سره دې ډېر ټیټ خلک راوستي،چې ته یې پېژنې او مور یې نه پېژنو.)) پیغمبر اکرم ورته وویل:((ډېر ظالم او بې حیا یې!)) پیغمبر اکرم چې حضرت "اسامه بن زید"(رض) بولندوی کړ؛نود ډېرو غوسې را وپارېدې؛خو قرآن مجید وایي:

يَاأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِن ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ=(حجرات/ ۱۳آیت) خلکو! په واقع کې مونږ تاسې له یوه نارینه او یوې ښځې پیدا کړي یاست او مونږ تاسې ځانګي ځانګي (او خېلونه) او ټبر ټبر کړئ،چې یو بل وپېژنئ (خو دا د امتیاز کچه نه ده) په حقیقت کې د خدای پر وړاندې ستاسې ډېر عزتمن،ستاسې ډېر پرهېزګار دی، په رښتیا چې خدای پوه (او) خبر دی.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ =(نحل / ۹۰) په حقیقت کې خدای پر عدل او نېکۍ کولو او د خپلوانو (د حق) پوره کولو امر کوي او له ناوړو چارو او بدو او ظلم منع کوي،تاسې ته نصحیت کوي،ښایي چې پند واخلئ.پیغمبر اکرم ځان له خپلو یارانو نه بېلاوه او ځوک نوی به چې غوندې ته راغی؛نو د پیغمبر اکرم یې پوښتنه کوله،بیا وروسته اصحابو یوه چوتره جوړه کړه،چې پیغمبراکرم پرې کېناسته چې وپېژندل شي. د "قبا" د جوماټ د جوړولو پر مهال یې د نورو په څېر کار کاوه او د احزابو جګړ ې ته د کندې ((خندق)) په استو کې یې هم له یارانو سره سم کار کاوه او پر مبارکو اوږو یې ډبرې او خاورې له ((کندې)) دباندې استې.

هود کول

په سخته او تنګسه کې د پرېکنده او ښو هوډونو کول،د بري په لاس ته راوړو کې د مشر د غښتلتیا او پیاوړتیا نښه ده .

تاریخ له قرېشو سره په "بدر" کې د پیغمبر اکرم هود داسې روایت کړی دی:

مسلمانان د قرېشو د هغه کاروان لاس ته راوړو ته راووتل،چې له "شامه" مدینې ته راستنېده؛خو سیمې ته تر رارسېدو وروسته خبر شول،چې "ابوسفیان" د یهودو په اشاره د کاروان لار د "سره سمندر" غاړې ته کړه کړې او له مکې یې



مرستندوی ځواکونه هم غوښتي دي.

په دې شرایطو کې پیغمبر اکرم باید موقعیت ښه وسنجوي،چې هود وکړای شي، چې له قرېشو سره وجنګېږي،چې شمېر او جنګي کاتل (تجهیزات) یې تر مسلمانانو ډېر دي او یا پر شا شي او خپل ځواکونه مدینې ته ستانه کړي.

پیغمبراکرم تر ژور فکر وروسته د بې سارې مشر په څېر هود وکړ او دې پایلې ته ورسېد: که پر شا شي؛نو د قرېشو مشرکان به یې په ډار او سستۍ تورن کړي او بیا به ترې د مدینې د یهودو سترګه هم و ته سوځي او پردې سربېره،دا پر شا تګ به د اسلام پر تبلیغ هم ناوړه اغېز وکړي. پیغمبر اکرم پرېکړه وکړه؛خو په دې اړه یې له یارانو سره هم سلا مشوره وکړه،چې په هود کې ورته د برخې اخستو دود وښیي او له دښمن سره د مخامخېدو او جګړې ته چمتووالی ورزده کړي او له تجربو یې ګټه هم واخلي؛لکه څرنګه چې د "احزاب" په جګړه کې، حضرت "سلمان فارسي" (رض) د "خندق" د ایستو سلا ورکړه او پیغمبر اکرم هم ورسره ومنله او همداسې یې د ښه هود بله بېلګه د "أحد" په جګړه کې تر ماتې خوړو وروسته،د جبران لپاره،د قرېشو د تعقیب هود وکړ او د "حمراءالاسد" سیمې ته ورپسې راووتل. همداراز د "أحد" په جګړه کې،چې د پیغمبر اکرم د وژل کېدود اوازې دسیسه جوړه شوه؛نو پیغمبر اکرم په مناسبې هود نیوني،د غوندې سر ته وخوت او خپل بېل بېل سرتېري یې په نامه یاد کړ او و یې ویل:

((یلانکیه!دلته راشه!پلانکیه دلته راشه!زه یم رسول الله)) او داسې یې د مشرکانو دسیسه شنډه کړه.

مسئوولیت منل

سره له دې،چې د مشرۍ دنده د پیغمبر اکرم پر غاړه وه او ټولو ته بېلګه و؛خو خپل لارویان یې د مشرۍ د دندې پر غاړه اخستو ته هڅول،چې په دې اړه پیاوړي شي،ترڅو چې په بېلابېلو سیمو کې د اسلام بریو د نړۍ ټول پوخي بولندویان ګوته پر خوله کړي وو .

د مسلمانانو ځینې بولندویان،چې موخه یې یوازې د خدای رضا وه،ددې لپاره چې و نه پېژندل شي؛تربوزکونه وهل.سره له دې،چې د "اموي" او "عباسي" واکمنانو په څېر بې لارې مشران یې درلودل،چې موخه یې یوازې د خپل واک ساتنه وه او تل په دې فکر کې وو،چې څرنګه اسلامي دولت په خپله کورنۍ کې وساتي،چې وړتیا یې هم نه درلوده .

دپوځي امکاناتو رامنځته کول

۱_ د انسان روزنه :

یوازې اسلام دی،چې وړ انسانان او بېلګه سرتېري روزي؛ځکه د مسلمان مجاهد موخه یو له دې دوو ده :

الف: د خدای په لار کې شهادت .

ب: بریالی ژوند.

او پوهېږي په دنیا کې،چې څه کړي؛هماغه په اخرت کې رېبي او څوک چې د ذرې هومره ښه وکړي؛نو وررسي او که د ذرې هومره بد وکړي؛نو سزا یې ورکول کېږي او پوهېږي،چې ددې تېرېدونکې او لنډې دنیا له لارې کړای شي،د اخرت تلپاتې نعمتونه لاس ته راوړي.حال دا چې نامسلمانان،ټاکلي عمر ته تر رسېدو وروسته باید په زور عسکرۍ ته بوتلل شي،هغوی د فاسدو کورنیو اولادونه او د بې لارې مدرسو زده کړي دي او د "توکم پالنې" پر بنسټ روزل کېږي. په دې وروستیو کې د نوي پوځي تفکر د خاوندانو پام،د جنګیالیو د روزنې ارزښت ته را اوښتی او پوه شوي،چې روزنه باید یوازې پوځي زده کړې نه وي؛بلکې له کوچنیوالي پیل شي."مارشال رومل" لیکي: ((که غواړو جګړې ته تکړه سرتېري وروزو؛نو باید روزنه یې له زانګو پیل کړو.))

"مارشال مونتخوی" هم په خپل کتاب کې همدا سپارښتنه کړې ده.

په خواشینۍ،چې په وروستیو کې،په دې اړه د مسلمانانو وضع ډېره خرابه ده،که مونږ خپل نن له پرون سره پرتله کړو؛نو وبه وینو،چې په پخوا وختو کې د رسول اکرم لارويې،مونږ د نړیوالو د لارښووني او ازادۍ مخکښان کړي وو او نن مو وضع دومره ویجاړه ده، چې جنګي جنایتکاران او وسله پلوري رابانديې واکمن دي .

۲_ د تمبوونکي ځواک جوړول:

ددې ځواک د جوړېدو موخه داده،چې مشر باید دومره چمتووالی او ځواک ولري، چې د جګړې د پېښېدو پر مهال د جګړې او د هغې د عواقبو مخنیوی وکړي . په دې اړه قرآن کریم وایي:

وَأَعِدُّوا لَهُم مَااستَطَعْتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَاتُظْلَمُونَ(انفال/ ٦٠ آیت)= او څه مو چې له وسې پوره وي،د هغوی [= دښمنانو] مقابلې ته یې چمتوکړئ او (همداراز د جګړې دګر ته) تکړه اسونه (چمتوکړئ)،چې پرې د خدای،خپل او هغه دښمنان وویروئ،چې نه یې پېژنئ؛ خو خدای یې پېژني او د خدای په لار(او د اسلام د دفاعي بنسټ په غښتلتیا) کې،چې هر څه ولګوئ ؛نو بشپړ مکافات به یې درکړل شي او تېری به درباندې ونه شي.))

حضرت "جابر بن عبد الله انصاري" (رض) وایي ،چې پاک نبي وویل: ((هغه دار، چې خدای له مونږه د دښمن په زړه کې واچاوه،د یوې میاشتې مزله هومره لاسنیوی راسره وشو .))

له دې حدیث او پورته آیته جوتېږي،چې په اسلام کې جنګي ستراتېژي، د پرشاتمبوونکي ځواک پر چمتو والي ولاړه ده،چې دا مفهوم د انفال سورت د ٦٠ آیت د ((تُرْهِبُونَ)) له تکي لاس ته راځي .البته د داسې سیاست درلودل طبیعي خبره ده؛ځکه اسلام د ادیانو خاتم او د انسان او انسانیت را ژوندی کوونکی دی او انسانان هم د خدای بندګان دي او پیغمبر اکرم باید داسې لارې چارې وسنجوي، چې د خدای بندګان په امنیت کې ژوند وکړي. تاریخ ګواه دی،چې پیغمبر اکرم د ۲۸ غزاوو مشري کړې وه،چې یوازې په نهو هغو کې("بدر"،"احد"،"خندق"،"بني قریظه"،"بني المصطلق"،"خیبر"،"د مکې فتح"،"حنین" او "طایف") کې جګړه پېښه شوه،چې په خپله همدا خبره د تمبوونکي ځواک د روزنې پر ارزښت د تایید نښه ده. نن هم ډېرې پوځي ستراتېژیستان د همدې نظر پلویان دي،چې بنسټګر یې پیغمبر اکرم و او ددې نظر پر ارزښت هله پوه شول،چې جګړو ستړي کړل .جنرال "آندره بوفر" وایي: (د شلمې پېړۍ انسان،چې له دوو نړیوالو جګړو ستړی او په پرمخ تللیو وسلو سمبال دی؛نو اوس د جګړې د بیا پیلېدو د مخنیوي لپاره یې د تمبولو ستراتېژي خپله کړې ده.)

"جنرال مونتګمري" پر دې ستراتېژۍ رڼا اچولې: ((د تمبولو ستراتېژي هغه ځواکمني ده،چې د دښمن د ناڅاپي ګوزار او پرمختګ مخنیوی کوي او په بله وینا: هغه ځواکمني ده، چې د جګړې د دفع او تمبوني لامل دی))

چټک غبرګون

چټک غبرګون ځورا کارنده جنګي لار ده،چې د سرتېرو د روحیې د پیاوړتیا او پر دښمن د ناڅاپي یرغل او د روحیې د ماتولو لامل ګرځي. پیغمبراکرم هم خپل مجاهدین لټان نه وو روزلي،چې خپلې چارې یو بل ته وسپاري؛بلکې د دښمن پر وړاندې ویښتیا او هوښیارتیا ته یې رابلل.

د چټک غبرګون سریزې

د دښمن پر لور په بېړه ورتګ،غیر عادي او استثنایي کار دی اوددې لپاره، چې دا کار پایله ولري؛نو باید ټول امکانات په کار واچاوهي، چې د دښمن پر پوځي ځواک خان پوه کړي.

له چټک غبرګون مخکې چارې دادي

۱_ د سرحدي او مرکزي ځواکونو همغږي:

ددې همغږۍ ارزښت د "انفال" سورت په ٦٠ آیت کې جوت شوی،چې اشاره مو ورته وکړه.پردې سربېره،د هېواد سرحدي او مرکزي ځواکونه دیو بل لازم او ملزوم او بشپړوونکي دي .

اسلامي فقهاء وایي:((ډېرې چارې او ځیزونه وو،چې پخوا یې موضوعیت درلود؛ خو د وخت د بدلېدو له امله یې خپل موضوعیت له لاسه ورکړی.د ساري په توګه: "توره" او یا "اس" ځانګړې ځانګرنه نه لري؛بلکې مراد ترې له وخت سره مناسبې وزلې دي او د پولو او سرحد مفهوم،د یوه هېواد خمکنۍ بشپړتیا ده،چې له ګاونډیو سره لګېدلې،چې هوایي او سمندري پولې یې هم رانغاړي.))

۲_ چټک خبرول:

چا چې دا دنده پر غاړه اخستې وي؛نو باید ژر تر ژره پرې لاس پورې کړي،چې هغه ته چې خطر اعلانېږي،وکړای شي،مخکې له دې،چې اوبه له ورخه تېرې شي، مناسب هود وکړي او مقابلې ته بدې ووهي. لاندې تکیو ته پاملرنه به دا چار ګړندۍ کړي:

الف_جاسوسان او ساتندویان او په اصطلاح زړه سواندي او کارازمېیلي استخبارات چې پیغمبر اکرم همدې کار ته د مدینې په دننه او بهر جاسوسان درلودل.

د ساري په توګه: د پیغمبر اکرم تره حضرت"عباس بن عبدالمطلب" او حضرت "بشیر بن سفیان" د مدینې تر ٤٠٠ کیلومترۍ پورې د استخباراتو دنده درلوده .

د "عربستان" په بېلابېلو سیمو کې ان په "ایران" او "روم" کې هم پیغمبر اکرم استخبارات درلودل؛لکه حضرت "عبدالله بن ابي حدرد اسلمي" (رض)،چې د "هوازن" د سیمې استخباراتي چارې سمبالولې.

۷مخ

اقتصاد
در پرتو دانش و اخلاق



◇ **ع . شارق**

در این شکی نیست؛ قدرت های که جهان را بر محور منافع خود می چرخانند تقسیماتی را بوجود آوردند تا منافع خویش را از دست رنج ملت های مستضعف تهیه نموده؛ گاهی شعله های زیاده خواهی و آزمندی حریم امنیت را در هم کوبیده، خواب راحت را از چشم نسل ها می ربایند؛ در چنین شرایطی دل باختگان آزادی تلاش می ورزند بند و بن فرضیه های دست و پا گیر و نا مناسب به حال و احوال اقتصادی اجتماعی خویش را درهم بشکنند، تحولی شگرف و بنیادین را برمبنای علم و دانش پی ریزی نمایند، چون بدون علم و دانش و بهره گیری از ارزش های آن، هیچ ملتی، راه بجای نخواهد برد؛ رفاه ملی، عدالت اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی در گرو رشد سرشار علم و دانش است، از این رو توسعه و پیش رفت اقتصادی در جای قابل بحث و بررسی است که زیر ساخت های اقتصادی آن از هم نپاشیده باشد، عومل تولید، زمینهٔ کار و ابتکار اثر سازنده و ایجادگر خود را از دست داده است.

جامعهٔ نیازمند پرتو افگنی دانشی است که بتواند فضای تیرهٔ فقر، بیکاری و نا امنی و نا برابری را از روی ملت بزداید، آیندهٔ روشن و درخشان، به ارمغان آورد؛ تا باشد که نیروهای کار آفرین و بیدار، آیندهٔ پرافتخاری را برای خود رقم بزنند. این پیشرفت و شکوفایی حیرت انگیزی را که برخی کشورها در آغوش دارند، دست آورد بینش و دانش افرادی است که با تلاش بی امان خود پردهٔ جهل را در نوردیده، آیندهٔ روشن و تابنا ک را مژده دادند، از این رو باید معتقد شد که، بدون دست رسی به دانش لازم در زمینه های مختلف رسیدن به قلهٔ پیشرفت آرزوی تحقق نا پذیر است، زیرا پسمانی و عقب افتادگی، نزاع ها و بی عدالتی ها همه نتیجهٔ جهل و دانش گریزی است.

در همین راستا بعضی ها به این باورندکه؛ در این دنیای فانی کار و تلاش نشان حرص و آز است با معیار های اخلاقی سازگار نیست، بهترین زندگی عبادت و پای نهادن روی ملذات دنیای است!، البته بریدن رابطه کار و عبادت خود نوع گریز از مسوولیت و پنهان شدن و پهنا بردن به زندگی انگل وار است. گاهی عرف و عادت یکی از موانع عمدهٔ گسترش علم و دانش به حساب می آید، هر جامعه که در چارچوب قوم، نژاد، قبیله و عشیره خود را محصور داشت نمی توانند از دائرهٔ زر، زور و تزویرکه بیانگر تعدد قوا و قدرت است خود را برهانند و پا بعرصهٔ وحدت قدرت؛ که دولت است بگذارد. زیرا هر تحولی در جامعه منافع ناهمآهنگ قوای مختلف را بخطر مواجه می کند. این نیروها بهر شکلی مانع یک پارچگی و وحدت می شوند، با تأسف بد ترین نمونهٔ آشتی نا پذیر آن را در ساختار اجتماعی کشور خود روزانه تجربه می کنیم، کشوری که همه زمینه های پیشرفت را در خود دارد، ولی حاکمیت گروه های تمامیت خواه که قادر نیستند خود را از دایرهٔ عرف و عادات قبیله گرایی بیرون کشیده به روشنایی وحدت و اقتدار ملی رسانیده درکنار هم زندگی کنند، رسم و رواج، سمت و زبان را مقدس تر از حکم خدا می دانند؛ بدون تحول و تغییر در دیواره های ضخیم نفرت زا که روابط سالم اجتماعی را تحت تأثیر منفی خود دارد چگونه می توان علم و دانش را جای گزین نمود؟

آری! کشوری که شرف عدالت و آزادیش، اسیر القاعده و تروریزم شده است، پرچم ویرانی و کشتار در گوشه وکنارش نشانی از بی رحمی و دانش ستیزی است. کشوری که عوامل تولید: اعم از دانش، مدیریت، سرمایه و مهارت های کاری اش نابود شده و یا در معرض نابودی قرار دارد و یا مجبور به ترک میدان کار گردیدند، ضروری می نماید که، بجای مطرح کردن فرضیه های کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه داری در پی ترمیم و بازسازی تیوری نوین اقتصادی مبتنی بر ارزش های فکری و فرهنگی خود باشد؛ تا به یاری علم و دانش اقتصادی بتوانیم خلا های را که در اثر عوامل گونا گون اجتماعی، سیاسی و امنیتی بر پیکر نظام اقتصادی کشور وارد شده است، بازسازی کنیم.

اگر تاریخ اقتصاد کشورهای را که از زیر گرد و غبار جنگ تازه بدر آمدند، ورق بزنیم، نخستین چیزی که میدان سازندگی اقتصادی را رمز گشایی می کند: حد و مرز نظریه ها را تعیین و توصیف می نماید آرا و افکار نظریه پردازان مجرب و تیز هوش اقتصادی اند، توانایی کشف علل ضعف های بنیادین اقتصادی را دارند؛ می توانند ریخت ها، شکست ها، و نارسایی های را که مانع پی ریزی اقتصاد نیرومند و قابل اعتماد باشد، شناسایی کنند. آنانی که با تلاش های دل سوزانهٔ خویش در صدد یافتن راهکار های اقتصاد مدرن و پیش رفته مبنی بر دانش روز بودند توانستند انقلاب عظیمی اقتصادی بوجود آورده، مرزهای جهل و عقب افتادگی را عبور نموده پرچم پرافتخار علم و دانش را بر زمین صنعت و صنعتی شدن به اهتزاز درآوردند، صنعتی شدن یعنی سازندگی، ابتکار و خلاقیت در همه زمینه ها، پویایی اقتصاد، شکوفایی زنده گی، صنعتی شدن یعنی، حرکت روشنگرانهٔ علمی که پرده از راز و روی گنجینه های آفرینش برداشته روزنه های امید را بروی انسان ها بکشاید.

آری! عامل علم و اندیشه بود که سیستم های پیچیدهٔ علوم اجتماعی را رمز گشایی کرده، پدیدهٔ «علم اقتصاد»را از لابلایی، ریاضی، فلسفه، بیرون آورده، در خدمت جامعهٔ قرار داد، زندگی را در راستای ترقی و پیشرفت به حرکت درآورد؛ از این رو می توان گفت که درجهٔ دانش و تعلیم در افراد یکی از عوامل موثر رشد و پیشرفت اقتصادی محسوب می شود؛ به هر اندازهٔ که پرتو افگنی دانش، بروی ذهن و زوایای جامعه گسترده باشد به همان اندازه بازگشایی گره های موانع پیشرفت اجتماعی آسان تر خواهد بود؛ کار آفرینی، مهارت سازی، ابتکار در زمینه های گوناگون که بتواند همه ساحه های زیست و زندگی اقشار مردم را در زیر پوشش خود قرار بدهد، دست آورد بالندهٔ علم و زینت یافته گان زیور دانش است؛ که در راه تحقق و تعالی میهن از هیچ تلاشی خستگی نا پذیر دریغ نمی ورزند.

این دانش است که می تواند از رقابت های منفی جلوگیری کرده، تصادم های جاهلانه را به تفاهم تبدیل کند، فاصله های عمیق طبقاتی را که مظهر کینه توزی، حسادت، نادانی و نا فهمی از روح اسلامی انسان است، با هم پیوند بدهد فضای همکاری و هم دلی را عینیت بخشیده، روح وحدت و همبستگی را در پیکرآحاد ملت دمانیده، تبلور واقعی یک جامعهٔ دانش پسند و فرهیخته را به ظهور برسانند، همان ارزشی که از سرچشمهٔ زلال قرآن برزمین سوختهٔ حیات فرود آمد؛ به صورت قاطع و روشن، اعلان نمود: ای انسان، هر آنچه که تو نمی دانی؛ من مایه از علم را در ژرفای فطرت تو، به ودیعه گذاشتم، بخوان و بنویس تا دست آوردهای تدبر و تفکرت را از خوان گسترده آسمان و زمین که، «مسخر» تست به گونهٔ شایسته بیان داری، این صحیهٔ آسمانی دیگر جای شک و شبه را برای کسالت و غفلت باقی نمی گذارد، عذرها پذیرفتنی نیست، هر انسان مسؤولیت دارد - بویژه یک مسلمان، که امروز خود را بهتر از فردا بسازد ولی هزاران تاسف که ما مسلمان ها در هیچ زمینه مصداق خوبی از اسلام عزیز نیستیم.

رابطه دانش و اخلاق، برای جهت بخشیدن و هم آهنگ سازی زیر بناهای اجتماعی اقتصادی و روسازهای زندگی ضرورت انکار پذیر است؛ تا بتوان با سمت و سو دادن مسیر علمی؛ با معیارهای اخلاقی، مؤلفه های اقتصادی را در راستای تحقق عدالت اجتماعی، در خدمت جامعه تفسیر کرد؛ در غیر این صورت، پیش رفت علمی، بدون ضوابط اخلاقی فاجعهٔ بیش نخواهد بود. وضع رنج آور و تأسف بار کنونی جهان گواه این حقیقت است. دیدیم که کشورهای پیشرفتهٔ شرقی و غربی، در میدان ابتکار، اختراعات و نوآوری های روز، به پیش رفته ترین تکنالوژی خود را مجهز کردند، تا جایی که؛ با بهره گیری از این روش ها اقدام به تولید مواد ها و غذا های مصنوعی، در حد سرسام آورش نمودند؛ دانش، امنیت، سرمایه و مدیریت راکه از عناصر سازندهٔ اقتصاد پایدار است، فراهم نمودند ولی بازهم در کوتاه کردن فاصلهٔ طبقاتی، گسترش رفاه اجتماعی و ایجاد روح همبستگی انسانی، بدون درنظرداشت شرقی و غربی، دین و مذهب نه تنها موفق نبودند، بلکه این دست آورد هابمثابهٔ ابزار کوبنده و ویرانگری در اختیار دولت ها و یا گروه های دست نشاندهٔ غیر مسؤول قرار گرفته است، از این رو باید از نقش مؤثر و ارزندهٔ اخلاق به خوبی استفاده کرد زیرا اخلاق اقتصادی عبارت از ضوابط جهت بخش و نظم آفرینی است که مؤلفه های اقتصادی: یعنی تولید، مصرف و سایر تحولات اقتصادی را در راستای رفع نیازها و نیازمندی های جامعه توجیه می کند؛ و احساس های گوناگون انسانیت دردمند را، بدون درنظرداشت، رنگ، دین و مذهب پیوند بخشیده از انسانیت به گونهٔ «نفس واحد» تعبیر می کند؛ تبلور انسانیت در پیکر واحد را به نمایش می گذارد؛ این نقطه از مهمترین ویژه گی های اقتصاد اسلامی به شمار رفته و نقطهٔ آغازین شکست مکتب های کاپیتالیستی و کمونیزم در تحقق عدالت اجتماعی است، حتی آن ها با داشتن دانش و تکنالوزی و به شهادت سازمان های دست به کار جهانی، تولید انبوه وفرت مواد گوناگون، بیش تر از تعداد نیازمندان؛ بازهم به شکست خود اعتراف می کنند، آنگونه که «سازمان خوار و بارجهانی» اعلان داشت؛ بیش از ۸۵۶ میلیون انسان در سراسر جهان، با گرسنگی دست به گریبان بوده، حال آن که به همین مقدار مواد غذایی به زباله دان ها ریخته می شود، ولی اقتصاد در پرتو اخلاق می تواند از مسیری بیهودگی و تلف جلوگیری کرده؛ و بمثابهٔ کشتی عظیمی انسانیت را از طوفان سهمگین گرسنگی نجات دهد، درک و درد گرسنگی را به حکم همبستگی انسانی همه یکسان تجربه نموده به گونهٔ که احساس مسؤولیت و رسالت، در برابر یکدیگر را به نمایش بگذاریم؛ و این حرکت اخلاقی را می توان از لابلای فکر و فرهنگ و اندیشهٔ خود گرفته در خدمت جامعه قرار داد.

اگر برای تحقق و تطبیق آرمان ها وآیده آل های خویش زمینه های اقتصادی اخلاقی روزه را بررسی کنیم می شود که از آن به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر، مهم وکنترول نبض و نوسان های اقتصادی، توسعهٔ اجتماعی و فقر زدایی بهره گرفت، در یک نمایش عملی می بینیم که؛ اگر یک روز از خوردن یک وعده غذا در سه موعد خود داری می کنیم و از یک وعده غذای خود بکاهیم، در حقیقت ما شش میلیارد در یک وقت و هجده میلیارد وعدهٔ غذایی را در سه وقت (یک روز) صرفه جویی کردیم، به زبان اقتصای این خود بمنزلهٔ تولید هجده میلیارد وعدهٔ غذایی در یک روز است، این تولید کم و ناچیز نیست؛ بلکه پیش رفته ترین و قدرتمندترین اقتصاد جهان توانایی این گونه حماسه آفرینی اقتصادی را ندارد؛ این خود معادل مصرف دو روز نفوس کل روی زمین است آیا اگر شیوه های تولید و مصرف یک جامعه بر بنیادهای رسالت اخلاقی پی ریزی گردد؛ بازهم گرسنگی و فقر کسی را تهدید می کند؟

اگر صرفه جویی یک وعده غذای سرانه در ماه مبارک رمضان را مبنی بر نرخ شش پوند ارزیابی کنیم؛ یکصد و هشتاد میلیارد به اضافهٔ شش میلیارد صدقهٔ فطر، به خوان گرسنه گان و فقرای جهان سرازیر می شود؛ این بزرگترین وگسترده ترین سازماندهی اقتصادی، خدماتی و صرفه جویی برای پرکردن خلا های درد آور جامعه است که در مد ت بسیار کم انجام شده و سرمایهٔ هنگفتی را بوجود آورده است.

دډیرو افغاني رسنیو نه موثریت او پدې اړخ کې موجوده تشه

شفیق

دا مهال په افغانستان کې د اویاؤ په شاوخوا کې تلویزونونه او نږدې دوه سوه راډیوګانې شته دي. چې په رسنیز بهیر کې یو پرمختک ګڼلی شي. خو هغه څه چې په فرهنګي ډګر کې یې شتون لرلو، لا تر اوسه هم شتون لري او هغه دا چې لومړي خو ددې رسنیو ډیره شمیره یوازې ځوان کول ته خپروني لري؛ ځکه ددې رسنیو ډیری پروګرامونه موسیقي، تمثیل، ډرامه او یا نور تفریحي پروګرامونه دي، چې تر څنګه یې یوه برخه په سیاسي ډګر کې د سیاسي پوهانو تحلیلونهاو وچ سیاسي بحثونه هم دي پداسي حال کې چې ټولنه یوازې د ځوان کول او سیاسي تحلیلونو آوریدلو ته لیوالـه انسانانو څخه جوړه نده؛ ځکه هره ټولنه د عمر له مخې له دریو کټګوریو جوړه اوسي؛ چې یو یې کوچنیان او نوي ځوانان دي، بل یې ځوانان او دریمه برخه یې د پاخه عمر خاوندان اوسي او همدارنګه د ذهني کچې او مسوولیتونو له مخې بیا هم په څو برخو ویشل کیږي چې یو خالي الذهنه او عام وګړي اوسي چې معمولاً دغه خلک د آوریدلو او لیدلو لپار ډیر وخت لري او بل هم د ټولنې با مسؤلیته طبقه چې زیاتره یې دندې او مسولیتونه هم لري؛ که هغه د دولت په چوکاټ کې وي او که ورڅخه بیرون په پراخه خصوصي سکتور کې، او دریمه برخه بیا له همدې ډلې څخه یوه ځانګړې لویه برخه ده چې په زده کړې، تحصیل او یا امنیتي ارګانونو کې په ډله ایزه توګه د خپل عمر او مسوولیت سره سم. په یوه ماموریت او ملي رسالت کې بوخت اوسي چې د هیواد هره رسنۍ او په ځانګړې توګه ملي رسنۍ بیا دا مکلفیت لریچې د عمر له مخې ویشل شوو دریوواړو کټګوریو ته. او هم د ذهني کچې او مسوولیت له مخې ویشل شوو برخو ته مساویانه او په ځینو ځایونو کې په متوازنه توګه خپروني ولري.

مګر له بده مرغه چې له یوې خوا زمونږ ملي رسنۍ د اقتصادي پلوه له ځینو خصوصي رسنیو څخه وروسته دي او همدا لامل وي چې د ملي رسنیو خپروني بیا د معیار او مقبولیت په کچه برابرې نه اوسي او په خصوصي رسنیو کې بدبختي داده چې ډیری یې د پردیو په مالي ملاتړ ولاړې دي، چې پروګرامونه یې هم د هماغو هیوادونو د کلتورونو انعکاس کوونکي وي او سیاسي برخه یې هم د افغان ولس د ملي ګټو پر ځای د هغه هیوادونو د ملي ګټو خوندي کوونکي اوسي؛ د مثال په توګه په خصوصي سکتور کې داسې صوتي او تصویري رسنۍ لرو چې ځوان کول ته دغه رسنۍ د موسیقۍ له ترغیب او بیهودګۍ پرته بل کوم معقول او ګټور پروګرام نه لري او په خپلوخپرونو کې د افغان ولس د دیني او ملي ارزښتونه هیڅ پام په نظر کې نه ساتي

ځینې یې بیا د موسیقۍ پرته د هنري فلمونو په ډګر کې هم د هندي ښکته کلتور هنري فلمونهاو ډرامې خپروي او یا د بلې کومې ژبې ډرامې خپروي چې پکې د اسلامي فقهي او عقایدو خلاف پارټونه هم شامل اوسي او په ولایتونو کې بیا ډیرې خپروني یوازې همدغه بڼه لري چې یوازې د ځوان کول د غریزو سره سمه موسیقي او له پردي فرهنګ څخه آغیزمنه هنري برخه لري

همدارنګه ډیرې صوتي او تصویري رسنۍ په خبري برخه کې هم یوازې د خبر په نوم برخه لري خو د وخت له مخې دغه خبرونه دوه درې ورځې ان تر اونۍ زاړه خبرونه اوسي خو بیا هم د خبرونو په برخه کې خپریږي او دا ځکه چې د رسنیو ډیرښت د فرهنګي غناءاو پدې ډګر کې د وړتیا لرونکو څیرو د شمیر سره تناسب نلري یعنې له کیفیت پرته کمیت ته پاملرنه شوې او ډیر ځلې په ځینو رسنیو کې ناپوهه ځوانان داسې بیهوده مکالمې کوي چې د فرهنګ له هیڅ زاویې سره اړخ نه لګوي؛ بلکې د خپرونکو او ویونکو په اخلاقي تنازل دلالت کوي د خبرونو په برخه کې د نړۍ خبرونه خو پریږده ان تردې چې سیمه ایز او محلي خبرونه هم ډیر ځلې د ورځو .ورځو زاړه خبرونه اوسي چې له مخې یې د ناامنیو او غم خبرونه یو وګړي څو ځلې اوري؛ نن یې چې له نړیوالو رسنیو اوریدلې وي نو څو اونیو پورې یې بیا له محلي رسنیو اوري چې په روان او ذهن یې په پرله پسې توګه بده اغیزه کوي

نو پکار ده چې دا ډول رسنۍ یا نوي خبرونه لاسته راوړي او یا یې له سره خپاره نکړي البته ځیني تصویري رسنۍ نوي او بکر خبرونه تر لاسه کوي او خپروي

بله مهمه نیمګړتیا چې پدغو رسنیو کې شتون لري، هغه د نه نوښت او کاپي سیالۍ روحیه ده چې یوه رسنۍ همم داسې کلیشه یا خپرونه نلري چې د معیار او مقبولیت له مخې یوازې د هماغې رسنۍ ځانګړتیا اوسي او نور ورسره د معیار له مخې سیالي ونکړای شي

همدارنګه د علمي تحقیقونو او څیړنو په لړ کې او یا د ولس د سیاسي شعور د لوړتیا لپاره نه د دولت لخوا داسې سمینارونه، ورکشاپونه او سیمه ایز کنفرانسونه شتون لري چې د اطلاعاتو او کلتور او یا نورو اړوندو وزارتونو لکه د حج او ارشاد، پوهنې او لوړو زدکړو وزارتونو په خپلمنځي تنسیق سره جوړ شي او د رسنیو لپاره خام مواد یا یو علمي او تحقیقي راپورتاژ وګرځي او نه هم دغه رسنۍ په ټوله کې دا وړتیا لري چې په نوښتونو ولاړ علمي او تحقیقي پروګرامونه د ټولنې لپاره وړاندې کړي؛ که هغه د ژوندیو او طبیعي علومو په ډګرکې اوسي او که د تاریخ، ادب او کلتورپه برخه کې او یا هم د دین پوهنې او اجتهادي فقهي په ډګرکې اوسي چې ددې ټولو نیمګړتیاوو په لومړي درجه مسوولیت د ولسمشر اړوندو سلاکارانو څخه نیولې د اړوندو وزارتونو خاوندانو او سلاکارانو ته راګرځي؛ چې د افغان ولس لپاره د ژوند په ټولو برخوکې او په کلتوري او فرهنګي ډګر کې په خاصه توګه. د پاخه بصیرت او پراخه سیاسي او ټولنیز افق څخه د عاریتوب لامله ټولنې ته یې د بې شمیره نړیوالو رسنیو په شتون کې هم هغه څه ورنکړای شو چې د افغان ولس پراخه پرګنې ورته اړتیا لري اود ژوند په بیلابیلو برخو کې د ملي غناءمندۍ وسیله جوړیدای شي

طالبان؛ تلاش های صلح و ترورهای...

یکی از دوستان نزدیک ملا محمد عمر، مولوی محمد اسماعیل، ملا عبدالمالک، و ملا سلیم در کویته کشته شده اند اما طالبان فقط کشته شدن قوماندان نورالله را تائید کردند اما گفتند که وی با طالبان رابطه نداشت. او از قوماندانان مجاهدین در دوران جهاد بود و کشته شدن وی ناشی از دشمنی های شخصی بوده است.

اما در این میان بعضی از فرماندهان و افراد بلند رتبهٔ طالبان هم در پاکستان ترور شده اند: آخرین کسانی که بصورت مرموز ترور شدند، داکتر نصیر الدین حقانی و مولوی عبدالرقیب تخاری بودند. ماجرای ترور مولوی عبدالرقیب بیش از دیگران جلب توجه نمود بحدی که حکومت افغانستان جنازهٔ وی را از پشاور به تخار انتقال داد و حامد کرزی وی را شهید و قهرمان راه صلح خواند.

جالب اینجاست در حالی که خانوادهٔ مولوی عبدالرقیب راضی شدند تا جنازهٔ وی به کمک حکومت افغانستان به تخار انتقال یابد و حتی پدر وی نیز با حامدکرزی تماس تلفنی داشت، طالبان هم طی اعلامیهٔ رسمی، قتل وی را تقبیح نموده و آنرا کار دشمنان اسلام دانستند. این جریان لااقل یک نکته را بوضوح نشاندهی کرد و آن اینکه مولوی عبدالرقیب با شورای عالی صلح افغانستان در تماس بوده و در حرکتی شامل بود که جدا از دفتر طالبان در قطر، پروسهٔ صلحی را برهبری ملا آغاجان معتصم پیش می برد.

ملاآغا جان معتصم در سال ۲۰۱۲ در کراچی هدف شلیک چندین گلوله قرار گرفت و بشدت مجروح شد اما مقامات پاکستانی زود به کمکش آمدند و او را به شفاخانه منتقل ساختند. آغاجان بعداً به کمک دولت افغانستان غرض تداوی به کابل انتقال داده شد و از اینجا به ترکیه رفت اما مولوی عبدالرقیب این شانس را نداشت. جنازهٔ وی به افغانستان منتقل شد.

مولوی عبدالرقیب از ولسوالی کلفگان ولایت تخار بود. او از محدود ازبیک تبارانی بود که از آغاز تحریک طالبان با این گروه یکجا شد و بعد ازینکه کابل در میزان ۱۳۷۵ بدست طالبان افتاد، از جانب ملا محمد عمر بحیث وزیر مهاجرین منصوب گردید. او از دوستان نزدیک قاری طاهر جان (طاهر یولداش) بود.

بعد از سقوط تحریک طالبان، مولوی عبدالرقیب مدتی را همراه با جنگجویان ازبیک در وزیرستان گذشتاند. در آن زمان وضع نابسامان اقتصادی طالبان موجب شد تا ملا معتصم بعنوان مسوول مالی طالبان از امکانات مالی برای توسعهٔ نفوذ خود در میان طالبان سود ببرد. او با کمک های مالی هرچند اندک، توانست تا تعدادی از طالبان را بسوی خود جلب نماید.

ملا محمدعمر از این اقدامات ملا معتصم راضی نبود و تصمیم گرفت تا دست وی را از امکانات مالی کوتاه سازد. برای این منظور وی را از ریاست کمیتهٔ مالی به ریاست کمیتهٔ سیاسی منتقل نمود. قرار بود ملا معتصم حساب های خود را با کمیتهٔ مالی تصفیه نماید و پول هائی را نزدش موجود است به کمیتهٔ مالی تسلیم دهد اما معتصم این کار را نکرد.

معتصم آرزو داشت تا بحیث مسئول دفتر سیاسی طالبان به قطر فرستاده شود اما وقتی طیب آغا جانشین وی گردید، معتصم نشانه های روشنتری از تمرد و نافرمانی از رهبری طالبان را از خود نشان داد و این مسئله برای رهبری قابل قبول نبود.

معتصم بعد از این سوء قصد وقتی به ترکیه رفت، صدای صلح خواهی خود را بصورت علنی بلند کرد. وی گفت که به رهبری ملامحمد عمر همچنان متعهد است. او گفت که با گروه تند رو برهبری اختر محمد منصور مشکل دارد نه با رهبری طالبان.

حکومت افغانستان از تلاش های ملا معتصم اعلام پشتیبانی نمود و معتصم هم گاهی با صدور اعلامیه ها، طالبان را به مذاکره با کابل ترغیب می کرد اما این حقیقت را نباید از نظر دور داشت که مشکل دولت افغانستان با طالبانی است که درگیر جنگ اند نه با طالبانی که مدت هاست از صف جنگ خارج شده اند. ملا معتصم مدعی است که تعدادی از فرماندهان میدان جنگ طالبان با وی همراه اند اما از هیچکدام این فرماندهان نام نمی برد.

در این اواخر خبر از یک گردهمائی تعدادی از همفکران معتصم آغا در دوبی در رسانه ها منعکس گردید و گفته شد که هفت وزیر سابق طالبان در این گردهمائی شرکت داشته اند اما در این میان بیشتر از مولوی عبدالرقیب نام برده شد. این مسئله می تواند یکی از دلایل برای کشتن وی بدست کسانی باشد که قبلاً قصد کشتن معتصم را نمودند و هوشداری خونین به همه آنانی باشد که تمایل به پیوستن به ملا آغا جان را داشتند.

این نکته قابل ذکر است که میان نظر معتصم و ملامحمد عمر در مورد حضور نیروهای خارجی در افغانستان فرقی وجود ندارد. هر دو خواهان خروج کامل نیروهای خارجی و مخالف امضای قرارداد امنیتی با امریکا اند. هر دو انتخابات را در شرایط حضور نیروهای خارجی نامشروع می خوانند اما فرق نظر ملا معتصم با رهبری طالبان اینست که ملامحمد عمر نخست خواهان مذاکره با امریکاست تا امریکا خروج کامل خود را از افغانستان اعلام نماید و بعد مذاکرات بین الافغانی آغاز گردد اما معتصم به این باور است که خواست خروج کامل نیروهای خارجی نباید مانع مذاکره با حکومت افغانستان گردد. وی به این باور است که اگر با حکومت افغانستان مذاکره شود، این کار می تواند موجب تشویق حکومت گردد تا خواهان خروج نیروهای خارجی از افغانستان گردد.

به همین دلیل است که می بینیم حامدکرزی به پروسهٔ صلح از جانب ملا آغا جان متعصم علاقمند است و در این راه حاضر به پرداخت پول های گزاف می باشد اما طالبان تحت فرمان ملامحمد عمر فقط دفتر قطر را مرجع رسمی شان برای مذاکرات صلح می دانند و سایر تلاش ها را آدرس های غلط برای پروسهٔ صلح می خوانند.

استقبال گرم مردم ننگرهار، از تیم...

نمایندهٔ سرمنشی ملل متحد در این تماس تلفنی تأکید کرد که جامعهٔ بین المللی با دقت اوضاع کشور و روند فعالیت های انتخاباتی را زیر نظر دارد و بر ضرورت تأمین امنیت نامزدها و فعالین انتخاباتی و شفافیت انتخابات تأکید می نماید.

داکتر عبدالله عبدالله با تشکر از نمایندهٔ خاص سرمنشی ملل متحد، بر عزم راسخ خود برای پیش برد فعالیت های انتخاباتی تأکید نمود.

قرار است آقای عبدالله به سفرهای ولایتی خود ادامه بدهد و به منظور آگاهی دهی و تغییر در افکار عمومی برنامه های خود را تشریح کند.

در همین حال دفتر مبارزات انتخاباتی آقای دکتر عبدالله عبدالله در چندین ولایت از جمله بادغیس و غور در غرب کشور طی روزهای اخیر رسماً افتتاح گردید. روند حمایت ها در سراسر افغانستان از تیم اصلاحات و همگرایی ادامه دارد. طی چند روز اخیر نهادهای اجتماعی، اساتید دانشگاه ها و محصلان، اتحادیه های صنعتکاران، جوانان و زنان در ولایت های شمالی، مرکزی و غرب کشور حمایت های خود را از آقای عبدالله عبدالله اعلام نمودند.

مبارزات انتخاباتی سایرکاندیدای ر یاست جمهوری با گذشت هر روز حال و هوایی جدید به خود می گیرد. مناظره های تلویزیونی نیز به طور جدی به پیش می رود و نامزدان به تشریح برنامه های خود می پردازند. اما این مناظره ها که بیشتر به دیالوگ ها می ماند، تا هنوز نتوانسته است در افکار عمومی چندان تغییری ایجاد کند. متأسفانه بیشتر مردم بارویکردهای سنتی مانند قوم و قبیله فکر می کنند تا شهروند محور و برنامه محور. امروزه داشتن رابطه های بیرونی کاندیدان ریاست جمهوری نیز در نزد مردم به یک ملاک تبدیل شده است. خیلی ها می گویند: کسانی که پاسپورت خارجی دارند و از بیرون حمایت می شوند برندهٔ اصلی این انتخابات هستند. از کاندایدای مطرح، چند نفر آنان به استثنای داکتر عبدالله عبدالله پاسپورت و خانم خارجی دارند.

روی هم رفته جریان کمپاین ها با گذشت هر روز داغ تر می شود و گمانه زنی هایی وجود دارد که این بار مردم نسبت به سال های گذشته کمتر به پای صندوق های رأی بروند. مشکلات امنیتی و موضوع تقلب از فرازهای هستند که هنوز به قدرت خود باقی بوده و احتمال دارد از برگزاری یک انتخابات شفاف جلوگیری صورت گیرد. قرار است انتخابات ریاست جمهوری و شورای های ولایتی در تاریخ ۱۶ حمل ۱۳۹۳ در سراسر افغانستان برگزار گردد.

په لبنان کې د نوې کابینې په سر جوړجاړی خو د سورېې کړکیچ لا هماغسې ناحله

□ **شفیق**

په عربي نړۍ کې سوریه او لبنان دوه هیوادونه چې یو بل ته ورته مذهبي، قومي او سیاسي جوړښتونه او ځواکونه پکې شتون لري. د یوویشتمې پیړۍ د دوهمې لسیزې له پیل سره سم، سوریه ورځخه هغه مهال له تباهۍ سره مخ شوه چې کله ددغه هیواد د واکمن بعثي رژیم مشر بشار الأسد د عربي پسرلي ځخه الهام اخستلي سوریایي ولسي پاڅون پر خلاف، د سازش او جوړ جاړي د لیار پر ځای د بیرحمانه ځپلو او پرله پسې بمبارېو لیار ونیوله. او په دغه خپل کړي ظالمانه دریځ کې ورسره د ګاونډي ایران او لبنان حکومتونو ملیشو هم برابره ونډه واخسته چې بالاخره د سورېې درې کلن کړکیچ یې دادی تر پنځه اعشاریه نهه ملیون وګړو مهاجرتونو او نږدې یو سل او شل زره انسانانو وژنې ته ورساوه.

د روان کړکیچ د حل لپاره د ملګرو ملتونو سازمان لخوا تجربه کار نماینده الأخضر ابراهیمي پدې وګمارل شو چې په ژنیو کې د واکمن رژیم او د سورېې د ولسي پاڅون نماینده ګانو ترمینځه مذاکرات پیل کړي؛ چې دغه مذاکراتو دوه پړاوونه واخستل؛ په آغاز کې د سورېې واکمن رژیم د مخالفینو ترمینځه په مذاکراتو کې په ګډون باندې اتفاق موجود نه وو خو چې کله دغه ایتلاف په اکثریت سره په مذاکراتو کې ګډون باندې راضي شو نو د مذاکراتو لومړی پړاو (چې د پردې تر شا مذاکرات وو) په بریالیتوب ترسره شو او دوهم پړاو کې دا هیله کېده چې مذاکرات به نتیجه ورکړي خو وروستی پړاو لدې امله ناکام شو چې هر لورې په ځانګړې ایجنډا ټینګار بنووده؛ د واکمن رژیم مخالف ایتلاف چې د بشارالاسد رژیم د پر ځولو لپاره یې له سل زرو انسانانو زیاتې ځاني قرباني ورکړې، پدې ټینګار کوي چې باید انتقالي حکومت رامینځته شي او د بشار الاسد ګډون باید پکې مطرح نه اوسي. مګر د بشار الاسد نماینده ګان بیا د ایجنډا اصلي موضوع د ترهګرۍ سره په مقاومت ګرځولو باندې ټینګار کوي او ګواکي په سوریه کې هیڅ نه وي رامینځته شوي خپله هماغه زړه سندره وایې چې باید پاڅون وځپل شي او د رژیم پر خلاف جګړه کوونکو سره باید د ترهګرو(؟) معامله وشي. کوم کار چې بالآخره ابراهیمي هم د سورېې د ولس په وړاندې په افسوس څرګندولو مجبور کړ او د وروستي پړاو مذاکرات یې پرته له کومې نتیجې ځخه پای ته ورسول او دواړه لوریو ته یې خپلو ځایونو ته د ستنیدو او له خپلو مشرانو سره د مشورې کولو توصیه وکړه.

د سورېې په سر روان کړکیچ باندې دا دریځ پداسې حال کې رامینځته کیږي چې په ګاونډي لبنان کې بیا له څه مودې راهیسې د حکومت او کابینې د جوړولو په سر موجود اختلاف پای ته رسیږي او د (تمام سلام) په نوم نوی غوره شوی صدراعظم خپله څلرویشت کسیزه کابینه اعلانوي او وایې چې د ولسمشرۍ د نیابت له منصب (چې دا مهال یې میشل سلیمان په غاړه لري) د نیابت ځخه پرته، په بل هیڅ منصب کې مذهبي تړاو ته پام ندی شوی او کوښښ شوی چې یو متوازنه کابینه جوړه شي څو ټولو اړخونو ته د منلو وړ وي؛ ځکه په لبنان کې وروستیو ناامنیو ته په پام سره د حزب الله ډله هم اوس دې ته اړ شوي چې خپله ډیره برلاسي ونه غواړي او په لبنان کې د تسنن پیروانو بیا پدې ټینګار کاوه چې باید د حکومت مهمې امنیتي څوکۍ او په ځانګړې توګه د کورنیو چارو وزارت د تندلارې شیعه ګانو (حزب الله) سره نه اوسي چې له همدې امله په کابینه جوړولو باندې اختلاف موجود وو خو بالأخره دغه اختلاف پای ته ورسیده او د نوي صدراعظم د وینا له مخې په حکومت جوړونه کې توازن ته ډیر پام شوی دی. مګر څو میاشتې وروسته ددغه هیواد د ولسمشرۍ د منصب موده هم پوره کیږي چې هغه مهال هم بیا د ورته اختلاف او کړکیچ ویره شتون لري په لبنان کې د تسنن پیروان لدې امله په خپل دریځ ولاړ دي چې که په سوریه کې د واکمن رژیم پلویانو (حزب الله) ته د کورنیو چارو وزارت په څیر مهم وزارت وسپارل شي نو ښایې د سوریه په کړکیچ کې د پخوا په څیر لاسوهنې سره به جګړه لبنان ته هم ننوځي؛ ځکه د لبنان د حزب الله ملیشې وې چې د بشار الأسد ړنګیدونکي رژیم ته یې نجات ورکړ او بشار الأسد یې پدې قادر کړ چې د خپل ولس پر خلاف د هر ډول وسلو کارولو ځخه دریغ ونکړي، د کوم دریځ لامله چې د سورېې هیواد خپلې کیمیایي او شیمایي وسلې هم له لاسه ورکړې او په دریو جوپو کې د ناروې او سویډن هیوادونو د بیړیو په وسیله په امریکایي بیړیو کې لومړی خالي او بیا په سمندر کې له مینځه یوړل شوې او د حزب الله د پلویتوب لامله په سوریه کې هغه ولسي پاڅون تکني شوی چې اکثریت یې د تسنن پیروان دي او که د سورېې د علوي رژیم د نجات لپاره د لبنان او ایران اهل تشیع جګړه کوي نو د لبنان اهل تسنن بیا بې تفاوته نشي پاتې کېدای؛ پداسې حال کې چې په سوریه کې روانه جګړه دومره مذهبي رنګ هم نلري؛ بلکې هلته روانه جګړه په حقیقت کې د یو دیکتاتور رژیم لخوا د خپل مظلوم ولس پر خلاف د ظلم او استبداد د دورې د ختمولو لپاره جګړه ده او نه د سورېې علویان دومره د مذهب پیروان دي؛ بلکې د سورېې علویان چې د سورېې د نفوس ډیره کمه سلنه جوړوي د یو ظالم اقلیت لخوا پر مظلوم اکثریت باندې د حکومت خاوندان دي او له همدې امله د مهاجرتونو په لړۍ کې هم. له سورېې ځخه د ترکیې او اردن په ګډون د لبنان او ان تردې چې د عراق او ایران هیوادونو ته هم ځینو سوریایي وګړو هجرت وکړ؛ ځکه د بشار الأسد واکمن رژیم د خپلو مخالفینو په ټکولو کې د عام ولس او ملکي وګړو هم خیال نه ساتي او له همدې امله خو د حمص او حلب په ښارونو کې په روانو جګړو کې د مخالفینو په نسبت ملکي وګړي ډیر د هوایي بمباریو او د کیمیایي وسلو استعمالولو لامله شهیدان شوي دي او بلکې د ملګرو ملتونو په هغو استازو هم (چې د حمص په ښار کې د کلابند شوو خلکو د خلاصون لپاره هڅه کوي) د بشارالأسد رژیم بمباري کوي او توغندي وروي چې لامله یې د ملګرو ملتونو لخوا د محاصره شوو خلکو لپاره د غدایي موادو د رسولو لړۍ هم وخت ناوخته ټکنی کیږي مګر د ملګرو ملتونو لخوا د جوړ جاړي هڅې چې د سورېې د ولس د امید سترګې ورته ورګرځي هم د ابراهیمي په افسوس څرګندولو سره ناکامې شوې خو هغه څه چې حقیقت دی هغه دادی چې که دواړه لورې ځمکنې حقیقتونه ونه مني او د بشارالأسد د واکمنۍ د ختمولو موضوع په مذاکراتو کې شامله نشي فکر نه کیږي چې دغه کړکیچ پای ومومي او د سورېې روانه جګړه د لبنان په نوی کابینه جوړیدو کې موفقیت سره د بعثي رژیم په ګټه پای ومومي؛ بلکې کیدای شي دغه جګړه د ایران او لبنان دواړو هیوادونو ته هم وغځیږي کوم کار چې د نړیوال استکبار پخوانی موخه ده.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې...

ب_ د پولو ساتل او ځارنه او د دښمن د موقعیت او امکاناتو پېژندو ته ګزمې لیږل، چې پیغمبر اکرم هم پردې خبره ډېر ټینګار کړی و او ویلي یې دي: ((د اسلام د پولو ساتنه تر ټولی دنیا او څه چې پکې دي،غوره دي .))

وګورئ: (سیره ابن هشام:۳ ټوک،۲۳۲ مخ)

رسول اکرم به د دښمن پر احوال د خان پوهولو لپاره دکشف ټولی لېږه، چې مشهوره یې د حضرت "عبدالله بن جحش" (رض) سریه وه او کله یې په خپله هم دا کار کاوه،چې د "بدر" په جګړه کې د دښمن پر احوال د پوهېدو لپاره ووت او پردې سربېره،خپل یاران او مجاهدین یې هم دې کار ته هڅول او د "خندق" په جګړه کې یې وویل:

((هر یو د دښمن سیمې ته ورشئ او خان پوه کړئ،چې څومره اوبو کې دي او بیا مې خبر کړئ او له خدایه غوارم په جنت کې مې ملګري وي.))

۳_ د چټک تګ یون د مسلمانانو چمتو کول:

پیغمبر اکرم خپل سرتېري او لور پوري بولندویان داسې روزلي وو،چې په بېړه د خطر د سرچینې پر لور حرکت وکړي او دسیسه پر خپل ځای شنډه کړي .

د پورتنۍ ادعا روښانه دلیل دادی،چې دښمن به یې له چمتووالي،د اسلامي دولت له ځواکونو سره مخ کېده؛نو ځکه خپلې شتمنۍ او هر څه یې پرېښوول او تښتېدل.

د قرآن آیتونه پردې خبره ټینګار کوي،چې مسلمانان دې د دښمن پر لور په بیړه وخوځیږي،چې دا خبره د انفال سورت په ٦٣ آیت کې هم راغلي ده،چې اشاره ورته وشوه.

څښتن تعالی د "عادیات" په لومړیو آیتونو کې د مجاهدینو پر اسونو قسم خوري ، چې همدې واقعیت ته اشاره ده.

نننی پوځي بولندویان هم پردې خبره پوه دي او د خپلو ځواکونو له ننوتو مخکې،د دښمن سیمه په پرمخ تللیو الوتکو بمباروي،چې د ځواکونو ننوتو ته یې لار پرانځي او دا توې چارې د خان او دښمن ترمنځ د واټن او د یرغل د وخت راکمولو ته کوي؛ځکه دا دواړه لاملونه د جګړې د برخلیک په ټاکلو کې ستره ونډه لري.

<u>پوځي سیاست</u>

پوځي سیاست لاندې دولونه لري:

۱_ عمومي پوځي سیاست:

د عمومي پوځي سیاست پلې کولو ته د پیغمبر اکرم تر ټولو مهم چار،په مدینه کې د ستراتېژیکي پوځي هدې جوړول وو،چې لاندې اقدامات یې اغېزې دي.

الف:په مدینه کې د پیغمبر اکرم په مشرۍ، د اسلامي دولت جوړول او د دولت د اقتصادي، پوځي،سیاسي او ټولنیزو بنسټونو پیاوړي کول و.

ب: مدینه یې د اسلام د تبلیغ او د اسلام د دفاع مرکز وګرځاوه.

ج:د بېلابېلو "سریه" وو او غزاوو مشري به له مدینې کېده،چې تاریخپوهانو یې شمېر اتیا لیکلی دی.

او په دې توګه مدینه پر پیاوړې هدې واوښته چې د پیغمبر اکرم موخې یې پلې کولی او له ډېرو ځایو ورته خلک راتلل او له پیغمبر اکرم سره یې لیدل او په اسلام یې ایمان راوړ .

ادامه لری

مروری بر برخی حوادث امنیتی

۲۶دلو:

• به گفتهٔ فرمانده پولیس ولسوالی خان آباد ولایت قندوز ، بر اثر وقوع حملهٔ انتحاری در این ولسوالی دو غیر نظامی کشته و شش نفر دیگر زخمی شده‌اند. حادثه زمانی اتفاق افتاد که یک حمله کننده انتحاری سوار بر یک موتور سایکل سوار بود و می‌خواست موتر پولیس را هدف قرار دهد. در این حادثه دو موتر سواری غیر نظامی صدمه دیده و به موتر پولیس نیز خسارت وارد شده است.

۲۹دلو:

• یان کوبیش نمایندهٔ سازمان ملل متحد در افغانستان که در مراسم تحلیف کمیشنران ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی در کابل صحبت می کرد، تهدیدات امنیتی را چالش عمده فرا راه پروسهٔ انتخابات عنوان نمود؛ اما تاکید کرد که کمیسیون های انتخاباتی، باید انتخاباتی را برگزار نمایند که مورد قبول تمامی نامزدان قرار بگیرد. نمایندهٔ ویژه منشی عمومی سازمان ملل در افغانستان می گوید که امسال، افغانستان برای برگزاری انتخابات، بهتر از قبل آماده است؛ اما نمی توان از چالش ها چشم پوشی کرد.

۳۰دلو:

• برکاروان موترهای داکتر عبدالله عبدالله نامزد ریاست جمهوری، در مربوطات ولسوالی سروبی ولایت کابل حملهٔ مسلحانه صورت گرفته است. صدیق صدیقی سخنگوی وزارت أمور داخله، به رسانه ها گفته است که حوالی عصر امروز، بر کاروان موترهای داکتر عبدالله، در مربوطات ولسوالی سروبی کابل، با سلاح سبک حمله صورت گرفته است. به گفتهٔ وی، داکتر عبدالله عبدالله روز گذشته در شهر جلال آباد، یک نشست داشت و امروز در منطقهٔ انگور تاک ولسوالی سروبی، در یک نشست دیگری نیز اشتراک کرده بود. هنگامی که داکتر عبدالله بعد از جلسهٔ یادشده به طرف کابل در حرکت بود، در منطقهٔ کلکین تونل ولسوالی سروبی، بر کاروان موترهایش حمله صورت گرفت. اما در این حمله، به کسی زیان وارد نشده است.

اول حوت:

• در خبرنامهٔ وزارت امور داخله آمده است، حوالی ساعت ۹:۱۵ قبل از چاشت یک فرد انتحاری پیاده مواد انفجاری حامل خود را در مربوطات چهار راهی سرسبزی جوار کانون علمی ناصر خسرو بلخی حوزه چهارم امنیتی شهر کابل منفجر ساخت. در نتیجهٔ این رویداد شخص انتحار کننده کاملا متلاشی گردیده، یک تن از مسوولین امنیتی کانون علمی حکیم ناصر خسرو بلخی بعد از شناسایی فرد انتحاری را به آغوش کشیده قهرمانانه شهید و چهار تن از کارمندان شرکت صدف که گفتنی است در تعمیر این کانون کار می نمودند به گونه سطحی مجروح گردیده اند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ چهل و چهارم ۳ حوت ۱۳۹۲ ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۳۵- 22 February 2014

اعلان حمایت برخی مسؤولان ستادهای انتخاباتی داکتر زلمی رسول از تیم اصلاحات و همگرایی

مسوول روابط عامه ستاد انتخاباتی زلمی رسول:

تیم زلمی رسول توانایی مدیریت این مملکت را در آینده ندارد

مسؤولان ستادهای انتخاباتی داکتر زلمی رسول در مرکز و ولایات حمایت شان را طی یگ گردهمایی مردمی از تیم اصلاحات و همگرایی اعلام نمودند.

در گردهمایی که به روز پنجشنبه در کابل برگزار گردیده بود، نظام الدین بلوچ مسوول روابط عامهٔ این تیم، با ضعیف خواندن و عدم کفایت تیم آقای زلمی رسول گفت: تیم داکتر زلمی رسول توانایی مدیریت مملکت را در آینده ندارد.

او تصریح کرد، تیم اصلاحات و همگرایی ضمن این که برنامهٔ مدون برای کار دارد، از حمایت های بیشتر مردمی نیز برخوردار می باشد. آقای بلوچ گفت: من و همکارانم هریک حمید الله سروری مسوول اقوام و قبایل و داکتر سردار ارشد مسؤول جوانان تیم زلمی رسول به خاطر این به داکتر عبدالله پیوستیم که این تیم توانایی اداره و تجربهٔ خوب حکومت داری را دارند.

سخنرانی آقای بلوچ در میان شور و هیجان صدها جوان حاضر در جلسه با کف زدن ها بدرقه گردید.

مسوولان تیم اصلاحات و همگرایی از پیوستن افراد ستادهای انتخاباتی زلمی رسول ابراز خوشحالی نموده و افزودند که پیروزی نزدیک است و تیم اصلاحات و همگرایی همانگونه که از نامش پیداست آغوشش برای تمام مردم افغانستان باز است. کسانی که تازه از تیم زلمی رسول بریدند و به اصلاحات و همگرایی پیوسته اند، تعداد شان به صدها نفر می رسد.

*

در عین حال از نامزدی داکتر عبدالله عبدالله حزب حرکت اسلامی افغانستان برهبری عبدالغنی کاظمی حمایت خود را طی یک گردهمایی در هوتل کابل دُبی، در حضور صدها نفر از هواداران این حزب اعلام نمود. این حزب تحت رهبری آیت الله محسنی فعالیت دارد و علی جاوید وزیر ترانسپورت اسبق از رهبران دیگر این حزب می باشد.

*

گروه از پزشکان در حالی که لباس های سفید در تن داشتند برنامه صحی داکتر عبدالله عبدالله را که برای پنج سال آینده در نظر دارد در حضور رسانه ها به مردم تشریح نمودند.

*

در یک گردهمایی دیگر در قرغه، ملاعزت نماینده مردم کابل در مجلس نمایندگان، حمایت خود را از نامزدی دکتر عبدالله عبدالله اعلام نمود او را شایستهٔ رأی مردم دانست. ملا عزت از فرماندهان جهادی مربوط به جمعیت اسلامی ا فغانستان می باشد و در انتخابات سال ۱۳۸۸ خورشیدی نیز از داکتر عبدالله حمایت نموده بود.

حمایت های مردمی، از تیم اصلاحات و همگرایی

نهضت اسلامی افغانستان با برگزاری همایش با شکوهی در کابل، حمایت خود را از تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری نامزد پیشتاز ریاست جمهوری افغانستان، داکتر عبدالله عبدالله اعلام نمود.

*

در هفتهٔ گذشته، در یک راهپیمایی خیابانی در مزار شریف؛ جوانان و محصلین شهر مزار شریف در اقدام بی نظیر دست به راهپیمایی گسترده در حمایت و پشتیبانی از نامزد محترم ریاست جمهوری داکتر عبدالله عبدالله زدند و با حمل بیلبوردها و پلاکاردها و با شعار های عبدالله عبدالله حمایتت می کنیم و تیم اصلاحات و همگرایی خواستگاه جوانان است، حضور خود را در صحنه های سیاسی و اجتماعی به اثبات رساندند.

این در حالی بود که شورو هیجان جوانان شهر بر شهروندان عزیز مزار شریف تأثیر به سزایی گذاشته بود و همشهریان عزیز جوانان را مورد تمجید و تشویق قرار دادند. در انتهای این راهپیمایی که به سازماندهی دفتر فرهنگی و اجتماعی محمد فرهاد عظیمی وکیل منتخب مردم شریف ولایت بلخ و ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله برگزار گردید، یکی از اساتید دانشگاه در سخنرانی اختتامی به جوانان و محصلین گفت، قشر تحصیل کرده و جوانان ولایت بلخ آگاهانه از برنامه های کاری داکتر عبدالله عبدالله حمایت همه جانبه می کنند و اصلاحات و همگرایی را راه حل مؤثر در پس دادن قدرت به مردم، کاهش فقر و بی کاری و پیاده نمودن عدالت اجتماعی می دانند و در پایان از مردم شریف ولایت بلخ خواستند که در انتخابات شرکت کرده، سرنوشت خود را خود به دست شان رقم بزنند.

*

دیدار مردمی داکتر عبدالله عبدالله با باشنده های ولسوالی کهمرد ولایت بامیان؛ شنبه شب ۲۶ دلو داکتر عبدالله عبدالله نامزد انتخابات ریاست جمهوری در یک گردهم آیی مردمی با باشنده های ولسوالی کهمرد در مورد انتخابات بحث و گفتکو کردند. شاملین نشست حمایت و پشتیبانی خویش را از تیم اصلاحات و همگرایی و نامزدی داکتر عبدالله عبدالله اعلان کردند.

*

شماری از نماینده گان مردم ولایت میدان وردک، نهاد های مختلف، معلمین، محصلین ، ریش سفیدان منطقهٔ بهسود میدان وردک و مدیران مکاتب در نشست شنبه ۲۷ دلو در مورد بر نامه آقای عبدالله عبدالله نامزد ریاست جمهوری و انتخاباتی شفاف و عادلانه در سال ۱۳۹۳ در منزل بانو ذاکره انور صحبت کردند. در این نشست فرشته یک تن از نماینده گان ولایت میدان وردک گفت، ما حمایت خود را از داکتر عبدالله عبدالله نامزد ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ اعلان می کنیم، در ضمن ما خواهان کمک در آینده از جناب داکتر عبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری هستیم. حمیرا مسوول انجمن شفا و مسوول کورس خیاطی و آرایش گری می گوید، ما ۳۵۰ نفر فعالین حقوق زنان هستیم و دیدگاه ما نسبت به آقای عبدالله عبدالله نامزد ریاست جمهور ی مثبت است.

آقای مهدوی یک تن از نماینده گان بهسود میدان وردک در این نشست گفت، ده هزار نفر در محل ما زندگی می کنند که رای آنها برای داکتر عبدالله عبدالله نامزد ریاست جمهوری خواهد بود. در این نشست گفته شد، داکتر عبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری در این مدت چند سال در بین مردم هوادارن خود را پیدا کرده است.

*

همچنان حمایت گستردهٔ مردمی شورای انسجام عرب های زون شمال و شمال شرق از تیم اصلاحات و همگرایی محترم داکتر عبدالله عبدالله صورت گرفت که همه آمادهٔ پیکارهای انتخاباتی به نفع تیم داکتر عبدالا=له عبدالله شده اند.

*

شورای سرتاسری گجرهای افغانستان نیز از نامزدی داکتر عبدالله عبدالله اعلان حمایت کرده اند؛ یکشنبه شب ۲۷ دلو اعضای شورای سرتاسری گجرهای افغانستان در یک تجمع مردمی با نامزد شماره یک انتخابات گفتگو کرده، حمایت و پشتیبانی خویش را از این تیم اعلان کردند.

*

یکشنبه ۲۷ دلو سال جاری، جمعی از جوانان بابرگزاری محقل در ولایت بلخ حمایت شان را از نامزدی داکتر عبدالله عبدالله در انتخابات «۱۶» حمل سال ۱۳۹۳ اعلان کردند.

*

هفتهٔ گذشته، داکتر عبدالله عبدالله در دیدار با هیت رهبری اجماع ملی جوانان أفغانستان، این جوانان حمایت همه جانبه شان را از کاندیدی جناب داکتر عبدالله عبدالله در انتخابات ۱۳۹۳ اعلام نمودند.

*

هفتهٔ گذشته، دو دفتر ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله نامزد انتخابات ریاست جمهوری با گردهمایی جمع کثیری از جوانان و با حضورداشت وکیل منتخب ولایت بلخ محمد فرهاد عظیمی رسماً افتتاح گردید. این دو حوزه در نزدیکی چهار راهی محب و در کوچهٔ سیاه گرد شهر مزار شریف موقعیت دارد که جهت پذیرایی هموطنان عزیز فعال می باشد. در سخنرانی که در مراسم افتتاحیه توسط پروفیسور رحیم رحیمی ایراد گردید، واکنشگران مبارزات انتخاباتی را به جلب آرای مردم تشویق کرد و کمپاین انتخاباتی را جنگ نه بل، جذب آرای مردم دانست. در پایان وکیل منتخب ولایت بلخ محمد فرهاد عظیمی در یک سخنرانی حمایت خویش را از نامزدی آقای داکتر عبدالله عبدالله اعلان کرد و از جسارت و شهامت وی ستایش نموده، مبارزات و کمپاین انتخابات را عاری از تعصبات قومی، زبانی، مذهبی و منطقه ای دانست.

